

تأثیر رانت منابع نفتی بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب در کشورهای صادرکننده نفت

سلیمان فیضی ینگجه^۱

صمد حکمتی فرید^۲

صبا یحیوی میاوقی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۶

تاریخ ارسال: ۹۵/۱/۱۸

چکیده

ثروت منابع طبیعی، از جمله نفت، نقش بسزایی در توسعه کشورها دارد. اما در بیشتر کشورهای صادرکننده نفت فراوانی نفت سبب وابستگی دولت به درآمدهای نفتی شده و شاخص‌های حکومت‌داری را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش، تأثیر رانت نفت بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب در ۵۴ کشور صادرکننده نفت در طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که درآمدهای حاصل از منابع نفتی بر ۶ شاخص حکومت‌داری خوب معرفی شده توسط بانک جهانی، یعنی پاسخ‌گویی دولت، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات و کنترل فساد تأثیر منفی و معنی‌دار دارد. علاوه بر این، متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد، تولید ناخالص ملی، شاخص آزادی کسب‌وکار و شاخص آزادی سرمایه‌گذاری بر شش شاخص حکومت‌داری خوب تأثیر مثبت و معنی‌دار دارند.

واژگان کلیدی: رانت منابع نفتی، شاخص‌های حکومت‌داری خوب، داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: Q30، Q32، Q38

۱- مقدمه

اثر درآمدهای نفتی بر اقتصاد کشورهای نفت‌خیز همواره مورد توجه پژوهشگران و

۱- استادیار اقتصاد، دانشگاه ارومیه، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: s.feizi@urmia.ac.ir

۲- استادیار اقتصاد، دانشگاه ارومیه، پست الکترونیکی: s.hekmati@urmia.ac.ir

۳- کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه ارومیه، پست الکترونیکی: yahyavisaba@gmail.com

اندیشمندان اقتصادی بوده و در این خصوص نظریات مختلفی در خصوص کانال‌های تأثیرگذاری نفت بر اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از نظریه‌های مهم این حوزه به نظریه‌های اقتصاد رانتی مربوط می‌شود که از آن برای تبیین و توجیه توسعه‌نیافتگی سیاسی و اقتصادی کشورهای متکی به درآمد حاصل از رانت نفت استفاده می‌شود. این نظریه‌ها چنین استدلال می‌کنند که اتکا به درآمدهای حاصل از رانت و به‌ویژه رانت نفتی موجب می‌شود تا این موضوع بر ساختار دولت، روابط دولت و جامعه و نحوه حکومت‌داری پیامدهای منفی بسیاری داشته باشد.

رانت نفت سبب عدم نیاز دولت به درآمدهای مالیاتی شده و در نتیجه منجر به استقلال دولت از جامعه و ایجاد قدرت انحصاری برای دولت می‌شود، که چنین شرایطی مانع ایجاد فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر قدرت و همچنین مانع ایجاد دموکراسی می‌شود. همچنین، دولت‌های رانتی انحصار دریافت رانت و هزینه کردن آن را در اختیار دارند، بنابراین دولت رانتی برای ارائه خدمات به مردم جامعه، اقدام به افزایش مؤسسات دولتی می‌کند که منجر به وابستگی بخش‌های اقتصادی به دولت و افزایش هزینه‌های دولتی می‌شود. از طرف دیگر، در دولت‌های رانتی دولت به توزیع‌کننده رانت تبدیل شده و توزیع ثروت در دست دولت است. از آنجا که در یک جامعه با ساختار رانتی، افراد به میزان برابر از درآمدهای ناشی از منابع طبیعی بهره‌مند نمی‌شوند، بنابراین دولت رانتی تعیین می‌کند که در استفاده از درآمدهای ناشی از منابع طبیعی، از جمله نفت، کدام یک از گروه‌های اجتماعی بر دیگری ارجحیت دارند. چنین شرایطی موجب می‌شود تا روحیه رانت‌جویی و مصرف‌گرایی در جامعه تشدید، ماهیت نمایندگی دولت تضعیف، قشربندی اجتماعی تغییر و دولت به توزیع‌کننده رانت تبدیل شده و شاخص‌های حکومت‌داری خوب تضعیف شوند (ایشام و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۱۴۷).

درآمدهای نفتی به‌طور مستقیم و به نحو بی‌واسطه وارد نظام اقتصادی نمی‌شوند، بلکه تحت یک چارچوب نهادی به درون نظام اقتصادی راه می‌یابد؛ بر این اساس عوامل نهادی نقش اساسی در رابطه با نوع و نحوه اثر منابع طبیعی بر اقتصاد کشورها بازی می‌کنند.

اقتصادهای دارای منابع بیشتر دارای نهادهای با کیفیت پایین‌تر نسبت به اقتصادهای کم منابع هستند؛ این موضوع توسط کارل^۱ (۱۹۹۷)، راس^۲ (۱۹۹۹)، سالای مارتین و سابرامانین (۲۰۰۳) تأیید شده است که نشان می‌دهد وفور منابع و رانت آنها موجب کاهش کیفیت نهادها و شاخص‌های حکومت‌داری خوب می‌شود.

با توجه به نقش نهادها در رشد و توسعه کشورها و همچنین با توجه به تأثیر پذیری نهادها و نحوه حکومت‌داری از منابع طبیعی کشورها در این مطالعه اثر رانت منابع نفتی بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب^۳ شامل پاسخ‌گویی دولت، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، در بین ۵۴ کشور منتخب صادرکننده نفت، با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار گرفته است.

در ادامه مقاله در بخش دوم مبانی نظری و در بخش سوم مطالعات تجربی صورت گرفته آورده شده است. در بخش چهارم، مدل پژوهش و در بخش پنجم، نتایج حاصل از برآورد الگو ارائه شده است و سرانجام در بخش ششم نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی بیان شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مفهوم رانت

«رانت» در آمد مازادی است که زمانی حاصل می‌شود که یک منبع (زمین، ماده اولیه خاص و غیره) یا کالا در عرضه ثابت باشد (نمودار عرضه آن عمودی باشد)، ولی قیمت آن در بازار بیشتر از هزینه‌های لازم برای آوردن آن منبع یا کالا به بازار به اضافه سود نرمال تولیدکننده باشد. به دلیل محدودیت ماهوی این قبیل کالاها (مانند زمین)، عرضه آنها به شدت غیرکششی بوده و با افزایش قیمت، امکان افزایش عرضه آنها در کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود ندارد. در نتیجه، افزایش تقاضا منجر به افزایش قیمت‌ها و درآمد دارنده

1- Karl

2- Ross

3- Good Governance

منابع یا تولیدکننده کالا می‌شود که به آن رانت اقتصادی می‌گویند. در ادبیات سیاسی شرایطی که امتیاز یا انحصار خاصی برای تولیدکننده خاصی در نظر گرفته می‌شود، که دیگران نمی‌توانند از آن بهره‌مند باشند، عرضه آن محصول محدود خواهد بود و در نتیجه افزایش تقاضا، قیمت‌ها افزایش یافته و رانت اقتصادی را نصیب آن تولیدکننده می‌کند (میلانی و حبیبی، ۱۳۹۵، ص ۶۷). بانک جهانی^۱ رانت نفت را به‌عنوان اختلاف قیمت تولید و هزینه استخراج نفت تعریف می‌کند.

$$\text{رانت به عنوان درصدی از GDP} = \frac{\text{میزان استخراج نفت} \times (\text{متوسط هزینه استخراج نفت} - \text{قیمت متوسط نفت})}{\text{GDP}} \times 100$$

۲-۲- شاخص‌های حکومت‌داری خوب (کیفیت نهادها)

حکومت‌داری شامل سنت‌ها، نهادها و فرایندهایی است که چگونگی اعمال قدرت، چگونگی پاسخ به شهروندان و چگونگی تصمیم‌گیری در مورد مسائل نگران‌کننده عمومی را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، حکومت‌داری عبارت است از اینکه چگونه دولت‌ها با سایر سازمان‌های اجتماعی در تعامل‌اند و نحوه ارتباط آنها با شهروندان چگونه است. حکومت‌داری چگونگی تصمیم‌گیری توسط دولت، در یک جهان پیچیده است (گراهام^۲ و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱).

بانک جهانی، حکومت‌داری خوب را بر اساس شش شاخص زیر تعریف می‌کند:

- شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی:^۳ این شاخص بدین مفهوم است که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه بر مردم تأثیر می‌گذارد مورد سؤال و بازخواست قرار دهند و دولت مسئول عملکرد خویش بوده و موظف به پاسخ‌گویی به مردم است.

- شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت:^۴ این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولت مردان فعلی می‌پردازد.

1- World Bank

2- Graham

3- Voice and Accountability

4- Political Stability and Absence of Violence

- شاخص کارایی و اثربخشی دولت:^۱ این شاخص به معنی کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است.

- شاخص کیفیت مقررات:^۲ این شاخص بر روی سیاست‌های ناسازگار با اقتصاد بازار تمرکز دارد. سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها که مخالف نظام بازار است و همچنین عدم نظارت بر عملکرد نهادهای اقتصادی و مالی که جزو وظایف دولت است و همچنین اعمال محدودیت در رابطه با ارتباط اقتصادی آزاد با کشورهای خارجی (کافمن^۳ و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۴).

- شاخص حاکمیت قانون:^۴ این شاخص میزان احترام عملی که دولت‌مردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل‌اند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است.

- شاخص کنترل فساد:^۵ این شاخص به معنی کنترل امکان استفاده از قدرت و امکانات عمومی به منظور منافع شخصی است. در این تعریف هر اندازه متغیرهای فوق مقادیر بیشتری داشته باشند حکومت‌داری در آن جامعه برای نیل به توسعه بهتر است (کميجانی و سلاطین، ۱۳۸۷، صص ۵-۶).

۲-۳- مکانیسم اثرگذاری درآمدهای رانتهی بر شاخص‌های حکومت‌داری

در کوتاه‌مدت، کشورهای غنی از منابع معدنی (به‌ویژه نفت)، به ناچار به کشورهای رانتهی تبدیل می‌شوند (مؤمنی و صمدیان، ۱۳۹۲، ص ۲۴) و از این طریق شاخص‌های حکومت‌داری خوب شامل پاسخ‌گویی دولت، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کیفیت مقررات و کنترل فساد تحت تأثیر منابع طبیعی و رانتهی قرار می‌گیرند.

1- Government Effectiveness

2- Regulatory Quality

3- Kaufmann

4- Rule of Law

5- Control of Corruption

کشورهای رانتی به دنبال اعمال کنترل اجتماعی و سیاسی بر روی جمعیت خود، با ایجاد و حفظ وابستگی اقتصادی از طریق اختیارات انحصاریشان برای تخصیص و توزیع درآمد به دست آمده از رانت منابع طبیعی هستند. پیامدهای سیاسی تکیه بر رانت خارجی عبارت‌اند از:

۱- اتکا به منابع درآمد رانتی، کیفیت حکومت‌داری را تضعیف می‌کند و به توسعه مخالفان اجتماعی آسیب می‌رساند؛ زیرا سبب کاهش لزوم پاسخ‌گویی دولت به مردم و نمایندگی کردن دولت بر مردم می‌شود. علاوه بر این، عدم وجود یک نظام مالیاتی مناسب نه تنها مانع رشد اقتصادی گسترده می‌شود، بلکه سبب تضعیف ظرفیت حکومت‌داری و دموکراسی می‌شود.

۲- دولت‌های رانتی استقلال خود از انجمن‌های اجتماعی را با بهره‌برداری از استقلال مالی خود، در مخارج تقویت می‌کنند. مبالغ زیادی از پول برای حفظ شبکه‌های حمایتی و یا ارائه یارانه‌های عظیم به مردم برای جلب حمایت‌های اجتماعی و سیاسی، به جای توسعه مکانیسم‌های نهادینه شده پاسخ‌گویی، صرف می‌شود.

۳- کشورهای رانتی در معرض تصرف دولت و سطح بالایی از فسادند. در حالی که اکثر جمعیت از حقوق خود محروم‌اند افرادی که بخش منابع طبیعی را اداره می‌کنند قادر به اعمال نامتناسب نفوذ بر سیاست‌های دولت‌اند. دو دلیل برای این امر وجود دارد:

الف- ماهیت بسیار متمرکز بخش مواد معدنی، تعداد کمی از شرکت‌ها را که آن را تصرف کردند، برای تشکیل یک جبهه متحد برای اعمال فشار بر دولت قادر می‌سازد.

ب- تأثیر اقتصادی محض بخش مواد معدنی، تمایل دولت برای تلفیق منافع این بخش‌ها با خود را ترویج می‌دهد (وینتال و لوآنک، ۲۰۰۶، ص ۳۸).

وجود رانت نفت موجب می‌شود که دولت مستقل از مردم شده و تصمیماتش به نظام استبدادی نزدیک‌تر شود. در این حالت چون دولت‌ها رانت نفت را در اختیار دارند در تدوین قوانین طوری عمل می‌کنند که امکان استفاده از رانت برای تمام گروه‌ها امکان‌پذیر

نبوده و کیفیت مقررات تحت تأثیر رانت قرار می‌گیرد. علاوه بر این، حاکمیت قانون نیز بنا به دلیل گسترش فساد ناشی از رانت کاهش یافته و دولت‌ها نمی‌توانند حاکمیت قانون را به صورت کامل اعمال کنند.

اثر مالیاتی اتکا به صادرات مواد خام، مهم‌ترین مجرای انحراف شاخص‌های حکومت‌داری و کاهش پاسخ‌گویی دولت به مردم و پیدایش حکومت‌های اقتدارگراست (پورجوان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۳) و افزایش میزان رانت ناشی از صادرات منابع نفتی از گسترش مشارکت شهروندان، مردم‌سالاری، انجمن‌های مردم‌نهاد، آزادی‌های مدنی و آزادی بیان جلوگیری می‌کند (پورجوان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

در رابطه با ثبات سیاسی (طولانی و یا کوتاه شدن مدت زمان رهبری سیاسی)، نظریه‌های اقتصاد سیاسی منابع طبیعی بیان کرده‌اند که ثروت منابع طبیعی یک عامل تعیین‌کننده برای درجه ثبات سیاسی کشورهای غنی از این منابع بوده و انگیزه اصلی رهبران سیاسی برای باقی ماندن در قدرت، رانت حاصل از استخراج منابع طبیعی است؛ چرا که این رانت حاصل از منابع سبب تجهیز بودجه شده و شانس بر سر قدرت ماندن رهبران سیاسی را از طریق تأمین هزینه‌ها و کاهش مالیات افزایش می‌دهد. با این حال، بین گروه‌های مخالف برای به دست گرفتن قدرت، شورش و درگیری ایجاد می‌شود.

از لحاظ اقتصادی، رانت نفت موجب تضعیف انگیزه کارکردن می‌شود؛ زیرا در کشورهای با رانت بالا، افرادی که به منابع رانت نزدیک‌ترند از درآمد و رفاه بالاتری برخوردارند، لذا مردم به جای پرداختن به فعالیت‌های تولیدی و مولد، برای کسب رانت تلاش می‌کنند و در نتیجه، تلاش برای نفوذ در دولت و کسب رانت بیشتر جایگزین تلاش برای موفقیت می‌شود. همچنین، رانت نفت موجب عدم توازن بین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط دولت می‌شود، به این دلیل که درآمدهای رانتی در انحصار دولت است. با افزایش درآمدهای دولت، دولت رقیب بخش خصوصی شده و از آنجا که تلاش برای کسب رانت بالاست و سرمایه‌گذاری دولت همراه با تخلفات زیاد است سهمی برای بخش خصوصی اختصاص نمی‌یابد، به این ترتیب دولت

بخش خصوصی را از میدان خارج می‌کند و کارکرد دولت که باید ماهیتاً به‌منظور کمک به اقتصاد بخش خصوصی باشد تغییر یافته و دولت اثربخشی مثبت خود را از دست می‌دهد. گسترش فرهنگ رانت‌خواری، مصرف‌گرایی و اتلاف منابع اقتصادی نیز از دیگر اثرات رانت نفت است. چون دولت رانتیر برای رفع نیازهای جامعه اقدام به واردات کالاهای مورد نیاز جامعه می‌کند که این اقدام سبب وابستگی دولت به واردات و همچنین کاهش فعالیت‌های اقتصادی مولد در داخل کشور و ضربه‌زدن به تولیدکننده داخلی شده و در نتیجه منجر به اتلاف منابع اقتصادی می‌شود؛ زیرا اقتصادهای مولد و غیررانتی بر تولید کالا و خدمات متکی هستند، اما در کشورهای متکی به رانت نفت، بخش درخور توجهی از ثروت کشور ناشی از ذخایر نفت است و نه فعالیت نیروی کار و حتی نه سرمایه‌گذاری در امور تولید. بنابراین، این امر انگیزه نیروی کار را برای کار سخت و رقابت اقتصادی تضعیف می‌کند (زنوزی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۲۶).

۲-۴- مکانیسم اثرگذاری سایر عوامل بر شاخص‌های حکومت‌داری

درجه باز بودن تجاری یکی از عوامل مؤثر بر حکومت‌داری است. رقابت بین‌المللی ممکن است کشورها را مجبور به بهبود ترتیبات قانونی و نهادی کند تا از این طریق تولیدکنندگان داخلی بتوانند با کم‌ترین هزینه‌های پولی و زمانی در فضای کسب‌وکار موجود فعالیت کنند. علاوه بر این، رانت‌جویی و فساد ممکن است در اقتصادهای باز سخت‌تر باشد؛ زیرا شرکت‌های خارجی و فراملیتی تعداد عوامل اقتصادی درگیر فعالیت را افزایش می‌دهند. به این ترتیب، افزایش درجه باز بودن اقتصاد منجر به بهبود و افزایش شاخص‌های حکومت‌داری خوب می‌شود (پورجوان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

تولید ناخالص داخلی نیز شاخص‌های حکومت‌داری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به اینکه افزایش تولید ناخالص داخلی و در نتیجه درآمد بالاتر، منجر به ترجیحات قوی‌تری به‌منظور توسعه نهادی و شاخص‌های حکومت‌داری بهتری می‌شود (افزایش تولید ناخالص داخلی سبب افزایش منابع مالی برای بهبود شاخص‌های حکومت‌داری خوب می‌شود) (پورجوان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۴) و از این طریق تمایل برای بهبود شفافیت و

پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد افزایش می‌یابد.

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب آزادی کسب و کار است. وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر برای ورود به کسب و کار (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۵) موجب افزایش فساد اداری می‌شود. اما ایجاد آزادی کسب و کار و بستر کارآفرینی از طریق تجدیدنظر در قوانین و مقررات اقتصادی (برادران شرکاء و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۳) و همچنین کارآمد بودن قوانین سبب کاهش فساد، افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی و ثبات سیاسی دولت شده و بنابراین سبب بهبود حکومت‌داری می‌شود. بدین ترتیب، بهبود فضای کسب و کار نقشی اساسی در افزایش رشد اقتصادی کشورها ایفا می‌کند.

آزادی سرمایه‌گذاری نیز بر شاخص‌های نهادی مؤثرند. مناسب بودن محیط سرمایه‌گذاری و اطمینان از مکان سرمایه‌گذاری و وجود قوانین لازم به‌منظور حمایت از سرمایه‌گذاران سبب افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶). بنابراین، جذب سرمایه‌های خارجی و آزادی سرمایه‌گذاری نیازمند آن است که اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به عملکرد حکومت افزایش یابد. بنابراین، حکومت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی ناگزیرند شاخص‌های حکومت‌داری خوب را بهبود بخشند؛ زیرا در غیر این صورت، سرمایه‌گذاران خارجی اعتماد نمی‌کنند و سرمایه خود را در کشور مورد نظر به کار نمی‌گیرند (دامن کشیده و خدابخش‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

۳- مروری بر مطالعات تجربی صورت‌گرفته

مطالعات خارجی

لیت و ویدمن^۱ (۱۹۹۹) با استفاده از روش تخمین حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS) در طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۱۹۷۰ استدلال می‌کنند که وفور منابع طبیعی فرصت‌هایی برای

1- Leite and Weidmann

رفتار رانت‌جویی ایجاد می‌کند و این عاملی مهم در تعیین سطح فساد در یک کشور است. کافمن و کرای^۱ (۲۰۰۲) با استفاده از داده‌های ۱۷۵ کشور جهان در طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۰۰ به بررسی رابطه بین درآمد سرانه و کیفیت دولت پرداختند. نتایج بیانگر آن است که بین درآمد سرانه و کیفیت دولت رابطه مثبتی برقرار است.

سالای مارتین و سابرامانیا (۲۰۰۳) با استفاده از روش متغیرهای ابزاری و داده‌های مقطعی، اثر صادرات سوخت و مواد معدنی را بر شاخص‌های حکومت‌داری مورد آزمون قرار دادند و دریافتند که برخی از منابع طبیعی به‌ویژه نفت و مواد معدنی، تأثیر منفی بر روی شاخص‌های حکومت‌داری دارند.

ایشام و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای با استفاده از روش تخمین حداقل مربعات سه‌مرحله‌ای (3SLS) در طی دوره زمانی ۱۹۷۵-۱۹۹۷ معیارهای مختلفی از صادرات منابع طبیعی را در نظر گرفتند و بین منابع متمرکز که از یک منطقه جغرافیایی محدود استخراج می‌شود (نفت و مواد معدنی) و منابع غیرمتمرکز که در منطقه جغرافیایی وسیع‌تری تولید شده (محصولات زراعی و کشاورزی) تمایز قائل شدند. آنان در این مطالعه نشان دادند که منابع متمرکز رابطه منفی با معیارهای حکومت‌داری دارد.

بالت^۲ و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای دریافتند که با توجه به سطح درآمد اولیه، کشورهایی که دارای منابع متمرکز (نفت و منابع معدنی) هستند از سطح پایین توسعه انسانی رنج می‌برند، همچنین آنان دریافتند که تمرکز منابع تأثیر منفی بر حاکمیت قانون و اثربخشی دولت دارد.

برونشوایر و بالت^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای در طی دوره زمانی ۱۹۷۰-۱۹۸۹ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، رابطه وفور منابع و شاخص‌های حکومت‌داری خوب را مورد بررسی قرار دادند. آنان کل دارایی‌های طبیعی از جمله منابع نفتی و معدنی را وفور منابع طبیعی در نظر گرفتند و نشان دادند این شاخص رابطه مثبت با شاخص‌های حکومت‌داری دارد.

1- Kaufmann & Kraay

2- Bulte

3- Brunnschweiler and Bulte

کاتنیر^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل رانت‌جویی به بررسی رابطه بین منابع طبیعی و کیفیت نهادها پرداخته است. او در این مطالعه نشان داده است که برای هر کشور یک آستانه وجود دارد، به طوری که فراتر از این نقطه، هر مقدار اضافی از منابع طبیعی، آغازگر تأثیر منفی بر روی نهادهاست. منحنی U شکل معکوس به دست آمده از مطالعات تجربی که در این مقاله ارائه شده است، از مفهوم اثر غیریکنواخت منابع طبیعی بر نهادهای موجود در مدل پشتیبانی می‌کند.

باس و گرونیگ^۲ (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر وفور منابع طبیعی بر شاخص‌های حکومت‌داری پرداختند. آنان برخلاف مطالعات پیشین، که به تجزیه و تحلیل مقطعی محدود شده بود، در این مطالعه با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۱۲۹ کشور به بررسی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که مهم‌تر از همه، صادرات منابع طبیعی موجب افزایش فساد می‌شود. این نتیجه برای مدل‌های متفاوت و همچنین شاخص‌های جایگزین برای وفور منابع طبیعی مستحکم است.

روسا و اوتی^۳ (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط بین منابع طبیعی و کیفیت نهادی، با استفاده از تجزیه و تحلیل پانل برای کشورهای با اقتصاد در حال توسعه، در طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶، پرداختند. آنان دریافتند که درجه بالاتر وابستگی به منابع منجر به اثربخشی ضعیف دولت و همچنین کاهش سطح رقابت در کل اقتصاد می‌شود.

آنتونسن^۴ و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی وابستگی به رانت منابع طبیعی بر کیفیت دولت با استفاده از داده‌های ۱۳۹ کشور در طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۸۴ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که وابستگی مالی دولت به رانت منابع طبیعی نفت و گاز تأثیر منفی بر شاخص‌های کیفیت دولت دارد.

اچوری^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۸۷ کشور

-
- 1- Couttenier
 - 2- Busse and Gröning
 - 3- Rosa and Iooty
 - 4- Anthonsen
 - 5- Echeverri

در طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ به بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کیفیت نهادی، آزادی اقتصادی و کارآفرینی در بازارهای نوظهور پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و قوی بین کیفیت نهادی و ایجاد کسب‌وکار در هر سه گروه از کشورها وجود دارد.

مطالعات داخلی

خیرخواهان و برادران شرکاء (۱۳۸۲) رابطه مسئله وفور منابع طبیعی و بلای منابع در کشورهای عضو اوپک را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که ضعف نهادهای قانونی زمینه را برای رانت‌جویی فراهم می‌کند و رشد اقتصادی را کند می‌کند.

ابراهیمی و سالاریان (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی نامتوازن در طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۰ به بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اثر مستقیم درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی مثبت است. اما هنگامی که متغیرهای توضیحی دیگر مانند فساد، سرمایه‌گذاری فیزیکی، رابطه مبادله و آموزش وارد مدل می‌شود به دلیل اثر درآمدهای نفتی بر این متغیرها و سپس اثرگذاری غیرمستقیم بر رشد اقتصادی، اثر کل درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی، منفی برآورد می‌شود.

بهبودی و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با استفاده از روش داده‌های تابلویی، رابطه میان فراوانی منابع طبیعی و سرمایه انسانی با رشد اقتصادی را در دو گروه اقتصادهای نفتی و غیرنفتی، در دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۴، مورد بررسی قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری فیزیکی و درجه باز بودن اقتصادی تأثیر مثبت و مخارج دولتی و فراوانی منابع طبیعی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی هر دو گروه از کشورهای مورد بررسی دارد در حالی که تأثیر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی منفی و برای کشورهای غیرنفتی مثبت بوده است.

مهرآرا و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی نقش نهادها در نوع و نحوه اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد و توسعه اقتصادی ۲۳ کشور مهم صادرکننده نفت، با

استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی پانل در طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که رانت نفت در کشورهایی که دارای چارچوب نهادی - ساختاری با کیفیت مناسب‌اند به رشد اقتصادی بالاتر و در کشورهایی که دارای چارچوب نهادی - ساختاری با کیفیت پایین‌اند به پایین آمدن رشد اقتصادی منجر شده است.

بهبودی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های تابلویی به بررسی اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نقش کیفیت نهادی در کشورهای با اقتصاد نفتی در طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۶ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که وفور منابع طبیعی دارای تأثیر منفی و معنادار و کیفیت نهادی دارای اثر مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی کشورها مورد بررسی است.

مؤمنی و صمدیان (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر کیفیت نهادی بر سازوکارهای تبدیل موهبت به نفرین منابع نفتی در طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۲ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که وفور درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران با زیرساخت‌ها و نهادهای ناکارا و کژکارکرد به کاهش رشد اقتصادی در بلندمدت و کوتاه‌مدت و در نهایت، به نفرین منابع منجر شده است.

متفکر آزاد و ممی‌پور (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای که به تحلیل اقتصادی - سیاسی موانع تأثیرگذار وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند به این نتیجه رسیدند که وفور منابع طبیعی سبب کندی رشد اقتصادی نیست، بلکه نحوه برخورد با این منابع است که موجبات توسعه نیافتگی برخی از کشورهای دارای منابع را فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیماری هلندی، ضعف سرمایه انسانی، رانت جویی، فساد و ارتشا، به‌عنوان کانال‌های کندی رشد اقتصادی، همگی از حکمرانی بد ناشی می‌شوند.

پورجوان و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) به بررسی رابطه آماری بین صادرات منابع طبیعی (به‌عنوان متغیر جایگزین وفور) و شاخص‌های حکمرانی در کشورهای برگزیده نفتی و صنعتی در طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۶ پرداخته‌اند. نتایج بیانگر اثر منفی صادرات منابع طبیعی بر شاخص‌های کل حکمرانی،

کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد در کشورهای صادرکننده نفت است. اما در کشورهای توسعه‌یافته عضو OECD، اثر وفور منابع بر شاخص کیفیت مقررات و کنترل فساد منفی و بر شاخص حاکمیت قانون مثبت و معنادار است و نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر کرد.

فلاحی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین فراوانی منابع طبیعی و فساد در کشورهای عضو اوپک با استفاده از روش‌های حداقل مربعات معمولی ترکیبی و الگوی داده‌های تابلویی در طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۳ پرداختند. نتایج بیانگر آن است که رانت نفت و مواد معدنی اثر مثبت و معنی‌داری بر سطح فساد دارد و درآمد سرانه و درجه باز بودن اقتصاد نیز رابطه منفی معنی‌داری با سطح فساد دارند و با بهبود دموکراسی، اثر منفی منابع طبیعی بر فساد تعدیل می‌شود.

محسنی زنوزی و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی در طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۶ به بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک پرداختند و به این نتیجه رسیدند که درآمدهای نفتی اثر منفی و معنی‌داری بر شاخص حکمرانی خوب داشته است.

با بررسی نتایج به‌دست آمده از مطالعات داخلی و خارجی، با توجه به اینکه این مطالعات با روش‌های مختلف، در کشورهای مختلف و دوره‌های زمانی مختلف انجام شده است مشاهده می‌شود که نتایجی که از مطالعات صورت گرفته به‌دست می‌آید هماهنگ و سازگار نبوده و به یک نتیجه قطعی که بتواند نتایج مطالعات انجام شده در این زمینه را تأیید کند دست نیافته‌اند. به‌عنوان مثال، برونشویلر و بالت (۲۰۰۸) نشان دادند که وفور منابع طبیعی رابطه مثبت با شاخص‌های حکومت‌داری دارد، ولی مطالعه ایشام و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که منابع متمرکز (نفت و مواد معدنی) رابطه منفی با معیارهای حکومت‌داری دارد. مطالعه کاتنیر (۲۰۰۸) نیز بیانگر آن است که برای هر کشور یک آستانه وجود دارد، به طوری که فراتر از این نقطه، هر مقدار اضافی از منابع طبیعی، آغازگر تأثیر منفی بر روی نهادهاست.

بنابراین، با توجه به نتایج متفاوت مطالعات گذشته در زمینه اثر رانت بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب، و همچنین لزوم بررسی اثر متغیرهای آزادی کسب‌وکار و آزادی سرمایه‌گذاری بر روی تمام شاخص حکومت‌داری خوب، این مطالعه به بررسی اثر رانت و متغیرهای کنترلی بر هر شش شاخص حکومت‌داری خوب پرداخته است.

۴- مدل پژوهش

در این مطالعه از روش داده‌های تابلویی استفاده شده است. این رهیافت با توجه به انتخاب ۵۴ کشور در بازه زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ برای مطالعه در نظر گرفته شده است. مبنای انتخاب نمونه کشورهای مورد بررسی، داشتن رانت نفتی بیش از یک درصد بوده است و کشورهایی که در بانک اطلاعاتی^۱ WDI میزان رانت نفتی‌شان بیش از یک درصد GDP آن کشور بوده، به‌عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب شده است.

هر کدام از متغیرهای حکومت‌داری خوب شامل پاسخ‌گویی دولت، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و اثر متغیرهای رانت نفت، درجه باز بودن اقتصاد، تولید ناخالص ملی، آزادی کسب‌وکار و آزادی سرمایه‌گذاری بر روی این متغیرها مورد بررسی قرار گرفته است.

شاخص آزادی کسب‌وکار و شاخص آزادی سرمایه‌گذاری جزو شاخص‌های آزادی اقتصادی هستند که از بنیاد هریتیج^۲ استخراج شده‌اند. آزادی کسب‌وکار توانایی آغاز، ادامه و بستن کسب‌وکار توسط بخش خصوصی را با توجه به میزان محدودیت ایجادشده از جانب قوانین و مقررات دولتی نشان می‌دهد و آزادی سرمایه‌گذاری سیاست‌های دولت در رابطه با ورود جریان سرمایه به کشور را مورد توجه قرار می‌دهد (احمدیان و شهبازی غیائی، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

مدل مورد استفاده بر اساس مطالعات سال‌های مارتین و سابرامانیا (۲۰۰۳) و ایشام و

همکاران (۲۰۰۵) است و معادلات مدل به شرح زیر است:

1- World Development Indicator

2- Heritage Foundation

$$Lrvoice_{it} = \beta_0 + \beta_1(Loilr_{it}) + \beta_2(Lopen_{it}) + \beta_3(Lgdp_{it}) + \beta_4(Lbussh_{it}) + \beta_5(Linvh_{it}) + u_{it} \quad (۱)$$

$$Lrpol_{it} = \beta_0 + \beta_1(Loilr_{it}) + \beta_2(Lopen_{it}) + \beta_3(Lgdp_{it}) + \beta_4(Lbussh_{it}) + \beta_5(Linvh_{it}) + u_{it} \quad (۲)$$

$$Lrfect_{it} = \beta_0 + \beta_1(Loilr_{it}) + \beta_2(Lopen_{it}) + \beta_3(Lgdp_{it}) + \beta_4(Lbussh_{it}) + \beta_5(Linvh_{it}) + u_{it} \quad (۳)$$

$$Lrreg_{it} = \beta_0 + \beta_1(Loilr_{it}) + \beta_2(Lopen_{it}) + \beta_3(Lgdp_{it}) + \beta_4(Lbussh_{it}) + \beta_5(Linvh_{it}) + u_{it} \quad (۴)$$

$$Lrrule_{it} = \beta_0 + \beta_1(Loilr_{it}) + \beta_2(Lopen_{it}) + \beta_3(Lgdp_{it}) + \beta_4(Lbussh_{it}) + \beta_5(Linvh_{it}) + u_{it} \quad (۵)$$

$$Lrcorr_{it} = \beta_0 + \beta_1(Loilr_{it}) + \beta_2(Lopen_{it}) + \beta_3(Lgdp_{it}) + \beta_4(Lbussh_{it}) + \beta_5(Linvh_{it}) + u_{it} \quad (۶)$$

که در آن متغیرهای استفاده‌شده به شرح زیر است:

$Loilr_{it}$: لگاریتم رانت نفت کشور i در زمان t (مأخذ: WDI)

$Lopen_{it}$: لگاریتم شاخص درجه باز بودن اقتصاد برای کشور i در زمان t (مأخذ: WDI)

$Lgdp_{it}$: لگاریتم تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت ۲۰۰۵ کشور i در زمان t (مأخذ: WDI)

$Lbussh_{it}$: لگاریتم شاخص آزادی کسب و کار کشور i در زمان t (مأخذ: بنیادهریتیج)

$Linvh_{it}$: لگاریتم شاخص آزادی سرمایه‌گذاری کشور i در زمان t (مأخذ: بنیاد هریتیج)

$Lrvoice_{it}$: لگاریتم شاخص پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر در کشور i در زمان t

(مأخذ: WGI)^۱

$Lrpol_{it}$: لگاریتم شاخص ثبات سیاسی و نبود خشونت در کشور i در زمان t

(مأخذ: WGI)

$Lrfect_{it}$: لگاریتم شاخص اثربخشی دولت در کشور i در زمان t (مأخذ: WGI)

$Lrreg_{it}$: لگاریتم شاخص کیفیت مقررات در کشور i در زمان t (مأخذ: WGI)

$Lrrule_{it}$: لگاریتم شاخص حاکمیت قانون در کشور i در زمان t (مأخذ: WGI)

$Lrcorr_{it}$: لگاریتم شاخص کنترل فساد در کشور i در زمان t (مأخذ: WGI)

u_{it} : جملهٔ اخلاص

۵- برآورد الگو و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

- بررسی مانایی متغیرها

برای جلوگیری از بروز مشکل رگرسیون کاذب، پیش از برآورد الگوی مورد نظر، ابتدا تمامی متغیرها را از نظر مانایی مورد آزمون قرار داده‌ایم.

- آزمون لوین، لین و چو^۱

آزمون‌های مانایی داده‌های تابلویی معمولاً از طریق دو روش آزمون ریشه واحد برای داده‌های مشترک^۲ و آزمون ریشه واحد برای هر مقطع^۳ صورت می‌گیرد. لوین، لین و چو (۲۰۰۲) نشان دادند که در داده‌های تابلویی، استفاده از آزمون ریشه واحد برای داده‌های مشترک، نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه، دارای قدرت بیشتری است. بنابراین، در این مطالعه برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون لوین، لین و چو استفاده شده است. نتایج آزمون لوین، لین و چو برای بررسی مانایی متغیرها در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱- نتایج آزمون لوین، لین و چو

نام متغیر	با عرض از مبدأ		با عرض از مبدأ و روند	
	آماره t	ارزش احتمال	آماره t	ارزش احتمال
<i>LRVOICE</i>	-۹/۵۱۴۲۳	۰/۰۰۰۰	-۱۳/۰۷۶۱	۰/۰۰۰۰
<i>LRPOL</i>	-۸/۰۰۵۳۱	۰/۰۰۰۰	-۱۳/۸۴۰۵	۰/۰۰۰۰
<i>LREFECT</i>	-۱۰/۸۶۱۷	۰/۰۰۰۰	-۱۶/۰۱۳۸	۰/۰۰۰۰
<i>LRREG</i>	-۱۲/۹۲۹۴	۰/۰۰۰۰	-۸/۲۰۲۲۴	۰/۰۰۰۰
<i>LRRULE</i>	-۸/۳۰۳۹۰	۰/۰۰۰۰	-۹/۳۶۴۷۱	۰/۰۰۰۰
<i>LRCORR</i>	-۸/۳۸۲۸۴	۰/۰۰۰۰	-۶/۹۲۱۲۱	۰/۰۰۰۰

1- Levin, Lin and Chu

2- Common Root

3- Individual Root

۰/۰۰۰۰	-۱۸/۹۴۲۰	۰/۰۰۰۰	-۶/۳۴۹۶۱	<i>LOILR</i>
۰/۰۰۰۰	-۱۶/۳۸۱۷	۰/۰۰۰۰	-۱۳/۱۵۴۸	<i>LOPEN</i>
۰/۰۰۰۰	-۱۱/۶۵۵۳	۰/۰۰۰۰	-۵/۵۰۲۲۷	<i>LGDP</i>
۰/۰۰۰۰	-۱۲/۰۷۴۳	۰/۰۰۰۰	-۸/۸۱۷۶۳	<i>LBUSSH</i>
۰/۰۰۰۰	-۱۴/۷۱۱۰	۰/۰۰۰۰	-۶/۱۸۵۱۶	<i>LINVH</i>

مأخذ: محاسبات محقق

نتایج این آزمون بیانگر این است که همه متغیرهای تحقیق در سطح زیر یک درصد مانا هستند.

- تخمین مدل

- آزمون F لیمر^۱

در برآورد مدل داده‌های تابلویی، دو حالت کلی وجود دارد:

۱- عرض از مبدأ برای همه مقاطع یکسان است، که به این حالت، مدل داده‌های تلفیقی^۲ گفته می‌شود.

۲- عرض از مبدأ برای تمامی مقاطع متفاوت است، که به این حالت، مدل داده‌های تابلویی^۳ گفته می‌شود. برای شناسایی این دو حالت از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در واقع، به منظور بررسی اینکه مدل از روش داده‌های تلفیقی و یا از روش داده‌های تابلویی پیروی می‌کند، آزمون F لیمر انجام می‌شود. نتایج آزمون مزبور در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲- آزمون F لیمر

شرح	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم	مدل چهارم	مدل پنجم	مدل ششم
$F(53,496)$	۱۶۷/۸۲	۶۱/۱۲	۸۵/۱۵	۶۷/۵۶	۶۱/۸۹	۷۸/۳۰
$Prob>F$	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

مأخذ: محاسبات محقق

1- F-Limer Test

2- Pool Data

3- Panel Data

نتایج این آزمون بیانگر آن است که در هر ۶ مدل، استفاده از عرض از مبدأ مشترک رد می‌شود و لازم است برای هر کشور عرض از مبدأ مجزا در نظر گرفته شود.

- آزمون بروش - پاگان^۱

اثرات انفرادی مقاطع می‌تواند به دو صورت ثابت و تصادفی در مدل لحاظ شود. برای بررسی وجود اثرات تصادفی، از آماره آزمون بروش - پاگان استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون عدم وجود اثرات تصادفی است.

جدول ۳- آزمون بروش - پاگان

مدل ششم	مدل پنجم	مدل چهارم	مدل سوم	مدل دوم	مدل اول	شرح
۱۶۳۲/۶۶	۱۳۹۰/۵۹	۱۱۳۲/۸۹	۱۶۴۵/۲۲	۱۸۰۲/۳۱	۱۴۸۴/۴۳	$Chi2(01)$
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	$Prob>Chi2$

مأخذ: محاسبات محقق

نتایج آزمون بیانگر آن است که در هر ۶ مدل، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۵ درصد است، فرضیه H_0 رد شده و وجود اثرات تصادفی تأیید می‌شود.

- آزمون سارگان - هانسن^۲

برای انتخاب بین روش اثرات ثابت و تصادفی می‌توان از آزمون هاسمن^۳ یا آزمون سارگان - هانسن استفاده کرد. با توجه به اینکه در برخی از موارد آماره χ^2 آزمون هاسمن منفی شده و تصمیم‌گیری در خصوص اثرات ثابت یا تصادفی با ابهام مواجه می‌شود، سارگان - هانسن آزمونی ارائه کردند که در آن آماره χ^2 همیشه مثبت بوده و هیچ ابهامی در خصوص تشخیص اثرات ثابت و تصادفی وجود نخواهد داشت.

در آزمون سارگان - هانسن مقایسه اثرات ثابت و تصادفی می‌تواند در قالب آزمون

1- Breusch and Pagan Test

2- Sargan-Hansen

3- Hausman Test

محدودیت‌های بیش از حد قابل تشخیص مورد بررسی قرار گیرد. تخمین‌زننده اثرات ثابت این شرط را در نظر می‌گیرد که تخمین‌زننده‌ها با جزء اخلاص همبستگی ندارند یعنی:

$$E(y_{it} * e_{it}) = 0$$

در عبارت فوق y_{it} و e_{it} نشان دهنده مقادیر متغیر وابسته (y) و جزء خطا (e) در مقطع i و زمان t می‌باشند.

در روش رگرسیون ساختگی^۱، که توسط آرلانو^۲ (۱۹۹۳) و وولدریج^۳ (۲۰۰۲) ارائه شده، پارامترهای معادله اثرات تصادفی دوباره توسط متغیرهای اضافی (که شامل تخمین‌زننده‌های تبدیل شده به شکل انحراف از میانگین است) تخمین زده می‌شود و در ادامه با استفاده از آزمون والد و آماره χ^2 معنی‌دار بودن این متغیرهای اضافی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخلاف آماره آزمون هاسمن، که می‌تواند مقادیر منفی به خود بگیرد، آماره این آزمون همیشه مثبت است (راهنمای استاتا ۱۲).

جدول ۴- نتایج آزمون سارگان - هانسن

شرح	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم	مدل چهارم	مدل پنجم	مدل ششم
آماره آزمون	۱۰۴/۷۱۲	۱۴/۶۷۸	۳۳/۵۹۰	۶۷/۵۰۹	۲۸/۱۹۶	۲۵/۴۸۲
ارزش احتمال	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۱۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱

مأخذ: محاسبات محقق

با توجه به ارزش احتمال، در تمامی معادلات، مدل اثرات ثابت مناسب است.

- آزمون ناهمسانی واریانس مال جامع علوم انسانی

یکی از فروض کلاسیک این است که واریانس جزء اخلاص برای همه مشاهدات یکسان

است. یعنی اگر همسانی واریانس برقرار باشد خواهیم داشت: $\forall i: E(U_i)^2 = \sigma^2$

- 1- Artifical
- 2- Arellano
- 3- Wooldridge

در داده‌های تابلویی در صورتی که تعداد واحدهای انفرادی بیشتر از دوره زمانی مورد مطالعه است می‌توان انتظار داشت که اجزای اختلال دارای ناهمسانی واریانس، $E(U_i)^2 = \sigma_i^2 \neq \sigma^2$ باشند و تخمین‌زننده‌های رگرسیون علی‌رغم بدون تورش بودن دارای کارایی نخواهند بود.

در این مطالعه برای انجام آزمون ناهمسانی واریانس از آماره‌ی والد^۱ استفاده شده است. آماره‌ی والد بر تخمین‌زن نامقید مبتنی است (بالتاجی، ۲۰۰۸، ص ۵۱۷).

با استفاده از آماره χ^2 فرضیه صفر مبنی بر اینکه همسانی واریانس وجود دارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج این آزمون در جدول (۵) ارائه شده است و بیانگر آن است که در هر ۶ مدل با توجه به مقادیر آماره χ^2 و ارزش احتمال آن، همسانی واریانس رد شده و در تمام مدل‌ها ناهمسانی واریانس وجود دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل ششم	مدل پنجم	مدل چهارم	مدل سوم	مدل دوم	مدل اول	شرح
۳۴۰۰۰۷	۱۷۰۰۰۵	۹۶۱۰۸/۷۳	۱۲۰۰۰۵	۲۰۰۰۰۵	۶۱۰۰۰۵	Chi2(54)
۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰	Prob>Chi2

مأخذ: محاسبات محقق

- آزمون خودهمبستگی

یکی دیگر از مفروضات مهم مدل رگرسیون خطی کلاسیک، عدم وجود همبستگی سریالی بین جملات اختلال است. به عبارت دیگر، در این حالت کوواریانس بین جزء اختلال برآورد شده با مقادیر وقفه دار خود برابر صفر است. در صورتی که دوره زمانی مورد مطالعه در داده‌های پانل نسبت به تعداد واحدهای انفرادی بیشتر است، انتظار می‌رود بحث خودهمبستگی بین اجزای اختلال موضوعیت داشته باشد. در مورد آزمون خودهمبستگی در داده‌های تابلویی، وولدریج (۲۰۰۲) آزمون خودهمبستگی ساده‌ای را

در مورد داده‌های پانل پیشنهاد می‌کند که در آن جملات اختلال از فرایند خودرگرسیون مرتبه اول $AR(1)$ تبعیت می‌کنند. فرضیه صفر در آزمون وولدریچ، عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول در جملات اختلال مدل رگرسیون است که در صورت رد فرضیه صفر، مدل تخمین زده شده دارای خودهمبستگی مرتبه اول خواهد بود (محمّدزاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۳).

برای بررسی وجود خودهمبستگی از آزمون وولدریچ استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه صفر مبتنی بر عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول است. نتایج این آزمون بیانگر آن است که با توجه به آماره F و ارزش احتمال آن، در هر ۶ مدل فرضیه صفر رد شده و خودهمبستگی وجود دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون خودهمبستگی

مدل ششم	مدل پنجم	مدل چهارم	مدل سوم	مدل دوم	مدل اول	شرح
۴۲/۹۶۰	۶۱/۲۱۲	۵۷/۲۷۶	۳۸/۳۰۸	۷۹/۶۸۳	۱۰۷/۷۰۷	$F(1,53)$
۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	$Prob>F$

مأخذ: محاسبات محقق

- تخمین مدل با استفاده از روش $FGLS^1$

با توجه به اینکه مدل تخمین زده شده با ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی مواجه است بنابراین برای رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی از روش $FGLS$ استفاده می‌شود که نتایج آن به شرح جدول (۷) است. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تأثیر رانت نفت بر شاخص‌های حکومت‌داری نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی رانت نفت، شاخص‌های پاسخ‌گویی دولت و ثبات سیاسی به ترتیب به میزان ۰/۲۱ درصد و ۰/۰۶ درصد و شاخص‌های اثربخشی دولت و کیفیت مقررات به اندازه ۰/۱۱ درصد و ۰/۰۵ درصد، شاخص حاکمیت قانون به میزان ۰/۰۸ درصد و شاخص کنترل فساد به اندازه ۰/۱۳ درصد کاهش می‌یابد که بیانگر رابطه منفی و معنی‌دار رانت منابع نفتی با

1- Feasible Generalized Least Squares

شاخص‌های حکومت‌داری است.

نتایج بیانگر تأثیر مثبت درجه باز بودن اقتصاد بر روی شاخص‌های حکومت‌داری است، به این صورت که با افزایش یک درصدی این شاخص، پاسخ‌گویی دولت به میزان ۰/۲۱ درصد و ثبات سیاسی ۰/۸۶ درصد افزایش می‌یابند. همچنین، اثربخشی دولت ۰/۰۲ درصد، کیفیت مقررات ۰/۳۸ درصد، حاکمیت قانون ۰/۵۵ درصد و کنترل فساد به میزان ۰/۱۶ درصد افزایش یافته است.

جدول ۷- نتایج تخمین الگو به روش FGLS

متغیر / مدل	مدل اول	مدل دوم	مدل سوم	مدل چهارم	مدل پنجم	مدل ششم
LOILR	-۰/۲۱۳۶*	-۰/۰۶۵۵*	-۰/۱۱۲۹*	-۰/۰۵۵*	-۰/۰۸۲۹*	-۰/۱۳۷۹*
LOPEN	۰/۲۱۲۴*	۰/۸۶۳۹۵۸۳*	۰/۲۰۱۰*	۰/۳۸۹۵*	۰/۵۵۰۴*	۰/۱۶۰۹*
LGDP	۰/۱۵۰۷*	۰/۰۶۲۰*	۰/۱۵۴۸*	۰/۱۵۰۴*	۰/۱۹۴۱*	۰/۱۶۲۰*
LBUSSH	۰/۳۲۲۳*	۰/۱۷۰۵*	۰/۸۴۹۶*	۰/۷۷۱۴*	۰/۷۴۴۴*	۰/۸۸۱۸*
LINVH	۰/۱۷۵۶*	۰/۲۱۱۹*	۰/۲۱۷۱*	۰/۶۶۱۶*	۰/۴۹۲۹*	۰/۳۱۷۳*

مأخذ: محاسبات محقق

* نشان‌دهنده معناداری متغیرها در سطح زیر یک درصد است.

بررسی تولید ناخالص داخلی بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی تولید ناخالص ملی، پاسخ‌گویی دولت ۰/۱۵ درصد، ثبات سیاسی ۰/۰۶ درصد، اثربخشی دولت ۰/۱۵ درصد، کیفیت مقررات ۰/۱۵ درصد، حاکمیت قانون ۰/۱۹ درصد و کنترل فساد ۰/۱۶ درصد افزایش یافته است.

نتایج حاصل از بررسی تأثیر شاخص آزادی کسب و کار بیانگر آن است که با افزایش یک درصدی شاخص آزادی کسب و کار، پاسخ‌گویی دولت و ثبات سیاسی به ترتیب به میزان ۰/۳۲ درصد و ۰/۱۷ درصد و اثربخشی دولت به اندازه ۰/۸۴ درصد افزایش یافته‌اند. همچنین، با افزایش این شاخص، کیفیت مقررات دولت به اندازه ۰/۷۷ درصد و حاکمیت قانون و کنترل فساد به ترتیب به میزان ۰/۷۴ درصد و ۰/۸۸ درصد افزایش یافته‌اند که

بیانگر تأثیر مثبت شاخص آزادی کسب و کار بر شاخص‌های حکومت‌داری است. بررسی تأثیر شاخص آزادی سرمایه‌گذاری بر شاخص‌های حکومت‌داری دلالت بر آن دارد که با افزایش یک درصدی شاخص آزادی سرمایه‌گذاری، پاسخ‌گویی دولت ۰/۱۷ درصد، ثبات سیاسی ۰/۲۱ درصد و همچنین اثربخشی دولت ۰/۲۱ درصد و کیفیت مقررات و حاکمیت قانون به ترتیب به میزان ۰/۶۶ درصد و ۰/۴۹ درصد و کنترل فساد ۰/۳۱ درصد افزایش یافته است. بنابراین، شاخص آزادی سرمایه‌گذاری رابطه مثبت با شاخص‌های حکومت‌داری خوب دارد.

نتایج حاصل‌شده از مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بین یافته‌های این مطالعه با یافته‌های مطالعات پیشین خارجی همخوانی وجود دارد. برای مثال، در مطالعه سالای مارتین و سابرامانیا (۲۰۰۳)، صادرات منابع طبیعی موجب کاهش شاخص حکومت‌داری شده است. همچنین، در مطالعه بالت و همکاران (۲۰۰۵) تمرکز منابع بر حاکمیت قانون و اثربخشی دولت تأثیری منفی گذاشته است. بررسی مطالعات داخلی نیز نشان می‌دهد رابطه منفی رانت نفت با شاخص کنترل فساد مطالعه «فلاحی و همکاران (۱۳۹۳)» و رابطه منفی کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد با وفور منابع در مطالعه «پورجوان و همکاران (۱۳۹۳)» در بین کشورهای صادرکننده نفت با نتایج مطالعه حاضر همخوانی دارد. نتیجه حاصل از مطالعه فلاحی و همکاران (۱۳۹۳) بیانگر رابطه منفی درجه باز بودن اقتصاد با سطح فساد است و نتایج مطالعه حاضر را تأیید می‌کند. مطالعه کافمن و کرای (۲۰۰۲) نشان‌دهنده آن است که بین درآمد سرانه و کیفیت دولت رابطه مثبت وجود دارد. همچنین، نتایج مطالعه فلاحی و همکاران (۱۳۹۳) بیانگر رابطه منفی درآمد سرانه با سطح فساد است. نتایج به‌دست آمده از مطالعه اچوری و همکاران (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و قوی بین کیفیت نهادی و ایجاد کسب و کار وجود دارد.

۶- نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در این مطالعه تأثیر رانت منابع نفتی بر روی شاخص‌های حکومت‌داری خوب در ۵۴ کشور صادرکننده نفت در طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۲ با استفاده از مدل داده‌های

تابلویی، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده، در هر ۶ مدل، درآمدهای نفتی تأثیر منفی بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب (پاسخ‌گویی دولت، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) دارد. به عبارت دیگر، افزایش رانت منابع نفتی موجب کاهش پاسخ‌گویی دولت، کاهش ثبات سیاسی، کاهش اثربخشی دولت، کاهش کیفیت مقررات، کاهش حاکمیت قانون و کاهش کنترل فساد می‌شود. نتایج بیانگر آن است که درجه باز بودن اقتصاد و تولید ناخالص ملی تأثیر مثبت بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب دارند. همچنین، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد آزادی کسب و کار و آزادی سرمایه‌گذاری نیز رابطه مثبت با شاخص‌های حکومت‌داری خوب دارند.

با توجه به اینکه تأثیر درآمدهای نفتی بر اساس نتایج این پژوهش روی شاخص حکومت‌داری خوب منفی است و اما تأثیر متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد، تولید ناخالص ملی، شاخص آزادی کسب و کار و آزادی سرمایه‌گذاری (متغیرهای کنترل) روی شاخص‌های حکومت‌داری خوب مثبت است. می‌توان از این مطالعه نتیجه گرفت که استفاده از متغیرهای ذکر شده به عنوان ابزار سیاست‌گذاری برای بهبود شاخص‌های حکومت‌داری می‌تواند مفید باشد.

ایجاد اصلاحات نهادی که شامل اصلاحات قضایی، قانونی و انتخاباتی است؛ همچنین اصلاح الگوی مدیریت درآمدهای نفتی و صرف درآمدهای حاصل از صادرات منابع نفتی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی، کاهش اندازه دولت و میزان دخالت آن در اقتصاد و نیز ارتقای نظام مالیاتی از جمله سیاست‌های ضروری برای بهبود شاخص‌های حکومت‌داری می‌باشد. به علاوه با توجه به اثر متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد، شاخص آزادی کسب و کار و شاخص آزادی سرمایه‌گذاری بر شاخص‌های حکومت‌داری خوب، لازم است ضمن تعامل اقتصادی و سیاسی بیشتر با دنیا به اعطای آزادی‌های اقتصادی مطلوب در حوزه‌های کسب و کار و سرمایه‌گذاری اقدام نمود.

منابع

- ابراهیمی، محسن و محمد سالاریان (۱۳۸۸)، «بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن»، فصل‌نامه اقتصاد مقصداری، دوره ۶، شماره ۱، صفحات ۷۷-۱۰۰.
- احمدیان، مریم و موسی شهبازی غیاثی (۱۳۹۰)، «بررسی و نقد شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی (بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر)»، شماره مسلسل ۱۲۰۷۲.
- برادران شرکاء، حمیدرضا و سعید ملک‌الساداتی (۱۳۸۶)، «حکمرانی خوب؛ کلید توسعه آسیای جنوب‌غربی»، مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش: ۱۰-۸۶-۱-۰۴، ۲۷-۱.
- بهبودی، داود؛ اصغرپور، حسین و سیاب ممی‌پور (۱۳۸۸)، «فراوانی منابع طبیعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت»، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال سیزدهم، شماره ۴۰، صفحات ۱۴۷-۱۲۵.
- بهبودی، داود؛ اصغرپور، حسین و نویده محمدلو (۱۳۹۱)، «نقش کیفیت نهادی بر رابطه وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی: مورد اقتصادهای نفتی»، فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۲، صفحات ۱۱۶-۹۵.
- پورجوان، عبدالله؛ شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ قربان‌نژاد، مجتبی و حسین امیری (۱۳۹۳)، «تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه یافته: رویکرد پانل GMM»، فصل‌نامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۱۶، صفحات ۳۳-۱.
- خیرخواهان، جعفر و حمیدرضا برادران شرکاء (۱۳۸۲)، «رونق نفتی و نرخ پس‌انداز در کشورهای اوپک»، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۶، صفحات ۱۱۰-۱۳۲.
- دامن‌کشیده، مرجان و سعید خدابخش‌زاده (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر مقررات کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای G77»، فصل‌نامه علوم اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲۱ (ویژه‌نامه شماره ۱)، صفحات ۸۱-۱۰۹.

عبداللهی، فرشته؛ مهربانی، فاطمه و مهدی بصیرت (۱۳۹۲)، «مقایسه اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو سازمان توسعه اقتصادی و همکاری (OECD)»، *اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی*، صفحات ۲۰-۱.

فلاحی، محمدعلی؛ مهدوی عادل، محمدحسین و فرشته جندقی میبیدی (۱۳۹۳)، «رانت منابع طبیعی و فساد در کشورهای عضو اوپک: کاربرد الگوی داده‌های تابلویی»، *پژوهش‌نامه اقتصاد انرژی ایران*، سال سوم، شماره ۱۱، صفحات ۲۲۷-۱۹۵.

کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۷)، «تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD»، *فصل‌نامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال دوم، شماره ۲، صفحات ۲۴-۱.

متفکر آزاد، محمدعلی و سیاب ممی‌پور (۱۳۹۲)، «تحلیل اقتصادی - سیاسی موانع تأثیرگذاری وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی»، *فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی کاربردی*، سال اول، شماره اول، صفحات ۱۲۴-۹۷.

محسنی زنوزی، سیدجمال‌الدین؛ شهبازی، کیومرث و روناک پرناک (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اوپک»، *فصل‌نامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی*، سال دوم، شماره ۴، صفحات ۱۵۶-۱۱۷.

محمدزاده، پرویز؛ ممی‌پور، سیاب و مجید فشاری (۱۳۸۹)، *کاربرد نرم‌افزار استاتا در اقتصادسنجی*، چاپ اول، انتشارات نور علم.

مؤمنی، فرشاد و فرزانه صمدیان (۱۳۹۲)، «تأثیر کیفیت نهادی بر سازوکارهای تبدیل موهبت به نفرین منابع نفتی: مطالعه موردی ایران»، *فصل‌نامه پژوهش‌نامه اقتصادی*، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صفحات ۶۲-۱۷.

مهرآرا، محسن؛ ابریشمی، حمید و حمید زمان‌زاده نصرآبادی (۱۳۸۹)، «مصیبت منابع یا

نهادها؟: مطالعه موردی کشورهای صادرکننده نفت»، پژوهش‌نامه اقتصادی، سال
دهم، شماره سوم، صفحات ۲۳۳-۲۰۵.

میلانی، علیرضا و اصغر حبیبی (۱۳۹۵)، «بررسی رانت در اقتصاد ایران»، فصل‌نامه مطالعات
علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱، صفحات ۷۳-۶۶.

Anthonsen, M., Löfgren, Å., Nilsson, K. & Westerlund, J. (2012), "Effects of Rent Dependency on Quality of Government", *Economics of Governance*, 13(2), pp.145-168.

Arellano, M. 1993. "On the Testing of Correlated Effects with Panel Data". *Journal of Econometrics*, Vol. 59, Nos. 1-2, pp. 87-97.

Baltagi, B. H. (2008), "*Econometric Analysis of Panel Data*", 4th edition, West Sussex, U.K.: John Wiley & Sons.

Brunnschweiler, C. & Bulte, E. (2008), "The Resource Curse Revisited and Revised: A Tale of Paradoxes and Red Herrings", *Journal of Environmental Economics and Management*, 55(3); pp. 248-264.

Bulte, E. H., Damania, R. and Deacon, R. T. (2005), "Resource Intensity, Institutions, and Development", *World Development*, 33(7); pp. 1029-1044.

Busse, M. & Gröning, S. (2011), "The Resource Curse Revisited: Governance and Natural Resources", Hamburg Institute of International Economics, (HWWI paper 106), Available at: hwwi.rohindex.de/uploads/tx.../HWWI_Research_Paper_106.pdf.

Couttenier, M. (2008), "Relationship Between Natural Resources and Institutions", *Documents de travail du centre d'économie de la sorbonne*.

Echeverr, H. H., Jerry, H. & Benavides, J. (2013), "Foreign Direct Investment, Institutional Quality, Economic Freedom and Entrepreneurship in Emerging Markets", Center for Research in Economics and Finance (CIEF), *Working Paper* No, pp. 13-36.

Graham, J., & Amos, B., & Plumptre, T. (2003), "Principles for Good Governance in the 21st Century", Policy Brief No. 15: Institute On Governance, Ottawa, Canada, pp.1-6.

Isham, J., Woolcock, M., Pritchett, L. and Busby, G. (2005), "The Varieties of Resource Experience: Natural Resource Export Structures and the Political Economy of Economic Growth", *World Bank Economic Review*, Vol. 19(2), pp. 141-174.

Karl, T. L. (1997), "The Paradox of Plenty: Oil Booms, Venezuela, and other Petro-States", Berkely: University of California Press.

Kaufmann, D. and Kraay, A. (2002), "Growth without Governance", World Bank Policy Research Working Paper No. 2928. Available at SSRN:

- <http://ssrn.com/abstract=316861>
- Kaufmann, D & Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2006), "Governance Matters V: Aggregate and Individual Governance Indicators for 1996-2005", Policy Research Working Paper Series 4012, The World Bank.
- Leite, C. and J. Weidmann, (1999), "Does Mother Nature Corrupt? Natural Resources, Corruption, and Economic Growth", International Monetary Fund Working Paper, 99/85.
- Levin, A., Lin, C.F., Chu, C-S.J. (2002), "Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite Sample properties", *Journal of Econometrics* 108, pp. 1-22.
- Rosa, D., and Iooty, M. (2012), "Are Natural Resources Cursed? An Investigation of the Dynamic Effects of Resource Dependence on Institutional Quality", World Bank: Policy Research Working Paper 6151.
- Ross, M. L. (1999), "The Political Economy of the Resource Curse", *World Politics*, 51, pp. 297-322.
- Sala-i-Martin, X. and Subramanian, A. (2003), "Addressing the Natural Resource Curse: An Illustration from Nigeria", *NBER Working Paper* 9804.
- Weintal, E., & Luong, P. J. (2006), "Combating the Resource Curse: An Alternative Solution to Managing Mineral Wealth", *Perspectives on Politics*, 4(1), pp. 35-53.
- Wooldridge, J. M. (2002), "Econometric Analysis of Cross Section and Panel Data", Cambridge, MA: MIT Press. S.